فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی(دوره جدید)

شماره ۳۰،
دوره اول،
سال سوم،
تابستان ۱۳۹۹،
صص ۱-۲۱

بررسی آثار عکاس معاصر تیم واکر از منظر تصویرسازی

پونه دهقانیان[۱]

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی آثار عکاس معاصر تیم واکر، عکاس مد و فشن از منظر تصویرسازی انجام شد. گردآوری اطلاعات در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای، کتب و مقاله‌های فارسی لاتین و نیز مقالات اینترنتی است. در ابتدا نگاهی به تاریخچه عکاسانی که به هدف رعایت داستان و قصه گویی عکاسی کرده‌اند در دوره‌های هنری مختلف پرداخته شد و بعد از آن به معرفی آثار تیم واکر و در نهایت بررسی آثارش از دیدگاه تصویرسازی و تجزیه و تحلیل آن انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که، از ویژگی‌های ارزشمند آثار تیم واکر می‌توان به متفاوت بودن و خلاقیتش، روایت داستان، بزرگ نمایی و اغراق در دنیای واقعی و بدون استفاده از تصاویر دیجیتال، فانتزی و رنگ‌های عکسهایش و خلق آثاری خیالی و سورئال اشاره کرد. بیشترین منابع الهام او از ادبیات کتاب‌های کودکان و تصویرسازی‌های آن است که به واسطهٔ همین دنیای کودکی و دنیای فانتزی آن مخاطب را به قصهٔ خود دعوت و کالای خود را معرفی می‌کند و در نهایت به این نتیجه رسید که یک تصویرگر هم می‌تواند با وام گرفتن از ابزار هنر عکاسی یا همان دوربین عکاسی قصهٔ خودش را به تصویر بکشد.

کلمات کلیدی: تصویرسازی، عکاسی، تیم واکر، روایت.

۱ - فارغ التحصیل کارشناسی ارشد، گروه هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

Poonehdehghanian2@gmail.com

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

مقدمه

هنر عکاسی در زبان‌های مختلف فتوگرافی[1]خوانده می‌شود که ترکیبی از دوکلمهٔ یونانی به معنی نور و گرافی به معنی ثبت یا نگارش است. بنابراین فتوگرافی به معنای نقش کردن با نور است. عکاسی توسط یک فرد کشف و تکمیل نشده است بلکه نتیجه تلاش بسیاری از افراد در زمینه‌های مختلف و اکتشافات و نوآوری‌های آنان در طول تاریخ است، اولین تصویر لیتوگرافی[2]نوری در سال ۱۸۲۲ میلادی توسط مخترع فرانسوی، ژوزف فیسه فورنیپس تولید شد. شاید در عصر حاضر و انسان معاصر در جامعه امروزی تفاوت عمده‌ای میان نقاشی و عکاسی مطرح نباشد و با پیشرفت روزافزون تکنولوژی مرز میان نقاشی و عکاسی و یا تلفیق این دو بسیار کم رنگ شده است ولی از زمان اختراع دوربین عکاسی و عکس بین هنرمندان و منتقدین بحث زیادی بوده و طی سال‌های زیادی عکاسی مخالفان سرسختی داشته و آن را به عنوان هنر زیبا نمی‌پذیرفتند.

با ورود به قرن بیستم هنر عکاسی کم کم از هنر نقاشی مستقل شد و توانست جای خود را به عنوان یک هنر مستقل در محافل هنری باز کند. سبک دادائیسم برای اولین بار از هنر عکاسی به عنوان هنری کاملاً حرفه‌ای استفاده کرد. به هر ترتیب با ورود به قرن ۲۱ فاصله میان تمامی هنرها محو شده است. دیگر هنرمندان خود را درگیر نام نقاش یا عکاس نمی‌کنند بلکه تنها به هنرمند بودن اکتفا می‌کنند. در این پژوهش نگاهی به عکاسی انداخته شده و رابطهٔ آن با تصویر سازی و بررسی این مسئله که آیا می‌شود مرزهای بیشتری از میان این دو هنر عکاسی و تصویرسازی برداشت. در این بین آثار عکاس معاصر مد و فشن تیم واکر بسیار به چشم می‌آید چون با دیدن عکس‌های واکر در دنیای فانتزی و خیال انگیز و قصه‌های دوران کودکی سفر می‌کنید که فقط در کتاب‌های کودکان و در تصویرسازی آن می‌توان یافت. به واسطهٔ همین است که تیم واکر به نام «تیم واکر قصه گو» شهرت دارد.

این چنین بود که آثار تیم واکر برای بررسی این موضوع و رابطهٔ آن با دنیای تصویرسازی انتخاب شد. هنرمندی که با روش خلاقانه خود همچنان در حال فعالیت و موفقیت‌های روز افزون است. حال در این پژوهش با نگاه به نقش هنر و صنعت عکاسی در ارتباط تصویری که یکی از زمینه‌های تغییر و تحول در صنعت عکاسی است به بررسی آثار عکاس معاصر، تیم واکر که در صنعت بزرگ عکاسی مد و فشن مدرن امروزی در حال فعالیت است پرداخته می‌شود. هنر عکاسی تأثیرات بسیاری بر دیگر هنرها داشته تا جایی که برخی از هنرمندان نقاش با عکس به رقابت می‌پرداختند. در این تحقیق به جستجوی ردپای هنر تصویر سازی و تأثیر آن در آثار عکاسی تیم واکر پرداخته می‌شود.

[1]- photography
[2]- Lithography

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

بیوگرافی تیم واکر

عکس‌های تیم واکر هر ماه، خوانندگان ووگ را به مدّت بیش از یک دهه، مجذوب خود کرده‌اند. استیجینگ عجیب و موتیف های رومانتیک شاخصه‌ی واضح سبک اوست. تیم واکر پس از تمرکز بر عکّاسی صحنه به مدّت پانزده سال، هم اکنون، فیلم‌سازی نیز می‌کند. او که در در سال ۱۹۷۰ در انگلستان متولد شده است، نخست در کتابخانه کاندی ناست[1] لندن که در آن‌جا پیش از ورود به دانشگاه به مدّت یکسال روی آرشیو سیسیل بیتون[2]کار کرد، به عکاسی علاقه‌مند شد. پس از یک دوره سه ساله و دریافت مدرک کارشناسی عکّاسی از کالج هنر اکستر، جایزه سوّم عکّاس جوان مستقلّ سال را به دست آورد. پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۱۹۹۴، واکر پیش از رفتن به نیویورک به عنوان دستیار تمام وقت ریچارد اودون، در لندن دستیار عکاسی آزاد بود. وقتی به انگلستان برگشت، در ابتدا، به پرتره و کار مستند برای روزنامه‌های بریتانیا پرداخت. در ۲۵ سالگی، اولین فشن استوری اش را برای ووگ عکّاسی کرد، و از آن زمان، برای نسخه‌های بریتانیایی، ایتالیایی، و آمریکایی، و همچنین مجله لاو[3]عکس گرفته است.

واکر اولین نمایشگاه مهم خود را در سال ۲۰۰۸ در موزه طراحی لندن برگزار کرد. این زمان مصادف شد با انتشار کتابش «تصاویر» توسط تنئوس.[4] در سال ۲۰۱۰ اولین فیلم کوتاه واکر، کاشف گمشده در جشنواره فیلم لوکارنو در سوئیس به نمایش درآمد و جایزه بهترین فیلم کوتاه در جشنواره فیلم شیکاگو یونایتد ۲۰۱۱ را گرفت. سال ۲۰۱۲ شاهد افتتاحیه نمایشگاه عکاسی واکر «قصّه گو» در سامرست هاوس، لندن بود. این نمایشگاه با انتشار کتاب «قصّه گو» توسط تیمز و هادسن همزمان شد. در ۲۰۱۳ با همکاری لارنس مینو و کیت هسکت هاروی، الفبای مادربزرگ را منتشر کرد. مجموعه منحصر به فردی از پرتره و تصویر در برزگداشت مادربزرگ‌ها.

واکر «جایزه ایزابلا برای خالق مد» را در سال ۲۰۰۸ از شورای مد بریتانیا و همچنین در سال ۲۰۰۹ جایزه اینفینیتی را از مرکز بین المللی عکاسی دریافت کرد. در سال ۲۰۱۲ واکر به عضویت افتخاری انجمن سلطنتی عکاسی درآمد. موزه ویکتوریا و آلبرت و گالری ملی پرتره در لندن عکس‌های واکر را در مجموعه‌های دائمی خود دارند. تیم در لندن زندگی می‌کند. همان طور که ذکر شد، واکر در جوانی، یک تابستان را در بایگانی‌های ووگ در لندن، به تنظیم مجموعه‌های مجلّه از نگاتیوهای عکّاسی سسیل بیتون و اسلایدهای رنگی سپری کرد و در این فرایند، دوره یی از تاریخ عکّاسی مد گذارند. این امر گهگاه مستقیماً به کار او شکل بخشیده است.

[1] Condé Nast
[2] Cecil Beaton
[3] LOVE
[4] teNeues

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

از میان صدها نفر از عکاسان او سیسیل را کشف کرد. او متوجه "چشم بازیگوش" بیتن و تمایلش به سر هم کردن کاغذ و فویل قلع و پس زمینه شد. – همان چیزهایی واکر بعدها انجام داد. او در بیتون همراهش را بازشناسی کرد. (دنیای شگفت انگیز واکر).

خصوصیات و ویژگی‌های آثار تیم واکر

عکس‌های مد تیم واکر را از چیدمان‌های افسانه‌ای و تصاویر چشم‌نوازش، بلافاصله، می‌توان شناخت. همه فعالیت‌های تیم واکر برای آثارش ممکن است شبیه تعطیلاتی شاد برای تجارتی باشد که کارش عکس گرفتن برای فروش کیف و کفش است، امّا حقیقت این است که تیم واکر دقیقاً با همین چیدمان‌ها عکس‌هایی می‌گیرد تا کیف و کفش فروخته شود. از نخستین باری که در سال ۱۹۹۶ آثار تیم واکر در بریتیش ووگ منتشر شد، کار او از جریان اصلی عکّاسی مد که مدام روش‌های محافظه‌کارانه‌تری در پیش می‌گیرد، دورتر و دورتر شده است. در اغاز دهه‌ی گذشته، با کاهش تدریجی بودجه‌های هنگفت مورد نیاز برای عکّاسی در محل، عکّاسان بسیاری به عکس‌های استودیوئی پرداختند و خود آن را به موضوعی برای عکس‌های جالب و هوش‌مندانه‌ی مد تبدیل کردند. واکر امّا همواره، راه خودش را پیموده است. او به دنبال چیزی زنده‌تر، عمارت‌های بزرگ مسکونی و مکان‌های دلفریبی در روستا کشف کرد تا ستینگ صحنه‌های عکّاسیش باشند؛ صحنه‌هایی که از دورانی که در مرز دوون–دورست بزرگ می‌شد، به یاد داشت. زیبائی و ویژگی این مکان‌ها بود که باعث شد عکس‌های واکر شاخص باشند و قدرتمندترین مجلّه‌های صنعت مد، یو اس ووگ و ووگ ایتالیا سفارش‌دهندگان همیشگی عکس‌های او شوند (تیم واکر، ۲۰۰۸).

درست همان وقتی که او جای عکّاسی مد بریتانیائی را در نقشه‌های بین‌المللی باز می‌کرد، داشت با سرشار کردن عکس‌هایش از ارجاعات به فرهنگ عامّه، تاریخ اجتماعی، ادبیّات انگلیسی و افسانه‌ها، بریتانیائی بودن را در آن‌ها ترسیم می‌کرد. و در مرکز این کار، چیدمان‌ها، لباس‌ها و صحنه‌هایی بود که او با طرّاحان صحنه، شونا هیث[1] سیمون کاستین[2] اندی هیلمن[3] رآ تایراستین[4] و ترتیب می‌داد. واکر می‌گوید «جذّاب‌ترین بخش کار برای من طرّاحی صحنه است.» و از حالات مسحور کننده‌یی می‌گوید که با هم خلق کرده‌اند. مدل‌هایی که از صفحات مجلّه‌ها و صحنه‌های داخلی اتاق‌های نشیمن به میان دشت‌ها و چادرهای برپا شده در کنار خانه‌های روستائی کشیده می‌شوند. اجرای ماهرانه و یکدست و

[1] Shona Heath
[2] Simon Costin
[3] Andy Hillman
[4] Rhea Thierstein

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

شباهت صحنه‌ها به واقعیّت نبود که تصاویر واکر را کارساز می‌کرد، بلکه برعکس: تصنّع آشکار و حسّ ناپایداری بود که نوعی سبکی و اصالت ایجاد می‌کرد.

علاقه واکر به دست‌ساخته‌ها و جنبه‌های مادّی تصویرسازی به روش ارائه عکس‌هایش هم سرایت کرده است. او در سال ۲۰۰۸ تصاویر[1] کتابی که دوازده سال آغازین کارش را ثبت می‌کرد را انتشار داد. اگرچه در آن زمان، این کتاب بسیار موفّق بود، او اکنون آن را خالی از اشتباه نمی‌بیند. «من پیش از آن کتابی منتشر نکرده بودم و آن‌قدر حرف برای گفتن داشتم که شبیه به اسهالی بصری، همه چیز را بیرون ریخته بودم.» پس چهار سال بعد، او مجال اشتباه در تیم واکر: قصّه‌گو نداشت؛ رساله چشم‌نوازی که با نمایشگاه سامرست هاوس همراه شد (تیم واکر، ۲۰۰۸).

«عشق تیم به مد، همه‌اش به خاطر داستان‌پردازی بود. به همین دلیل وقتی از مفهوم قصّه‌های خیالی برایم گفت، شروع به جست‌وجو در **ماجراهای آلیس در سرزمین عجایب** کردم. همین که دیدم اشکال خیالی چه‌قدر روند کتاب را تسریع کرده‌اند، دست به کار شدم.»

چشم‌گیرترین پیش‌رفت این چهار سال که در کتاب نمایان است حرکت از تابلوهای با جزئیّات زیاد از عکس‌های قبل‌تر واکر به سوی صحنه‌های ساده‌تر با زمینه‌های تاریک‌تر و نیز تمرکز بیش‌تر بر شخصیّت پردازی است. این تا حدودی مرهون تجربه‌ی او در کارگردانی فیلم کوتاه **کاشف گمشده**، اقتباسی از رمان پاتریک مک گراث[2] در سال ۲۰۱۰ است. واکر می‌گوید کار کردن با یک فیلم‌نامه‌نویس او را ناچار به تجدید نظر در روی‌کردش به روایت کرد. او می‌گوید: «مهم‌ترین چیز در فیلم داستان و شخصیّت و سپس، تصور ماست.» او بسیار مایل است یک فیلم بلند بسازد. هرچه او به استفاده از ابزار و واسطه‌های جدید اشتیاق دارد، نگاه جادوئی قدیمش را نیز از دست نداده است. او مخالف دیجیتال نیست امّا افسوس می‌خورد که عکّاسی دیجیتال چه‌قدر کیفیّت و به‌ویژه دامنه‌ی رنگ‌های عکّاسی مد را محدود کرده است. (تیم واکر، ۲۰۰۸).

«اگر به مجلّه‌های حالا نگاه کنید، نوعی رنگ در تمام آن‌ها غالب است.» و این که ارائه‌ی دیجیتال، چه‌گونه رابطه‌ی ظریف مدل و عکّاس را از میان برده است.

جهان واکر اغلب، نوستالژیک توصیف شده، امّا گذشته برای او سانتی‌مانتال نیست. سیاسی هم هست. «من در برابر اقدام بدون احتیاط مقاومت می‌کنم.»

او می‌گوید: «فرهنگ و جامعه چنان سریع حرکت می‌کنند که فکر می‌کنم باید بپرسیم آیا باید این زباله را به راحتی دور بیاندازیم؛ زباله‌یی که ممکن است هنوز جواهراتی مانند زنانگی یا معصومیّت، و یا برداشت ما از شگفت‌انگیز بودن

[1] Pictures
[2] Patrick McGrath

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

در آن باشد که کاملاً آماده‌ی خلاص شدن از شرش نیستیم. (عکس‌های هیجان انگیز تیم واکر به نمایش در می‌آیند. تلگراف. سپتامبر ۲۰۱۰. پنی مارتین)

عکّاس مد، تیم واکر انگار متعلّق به دنیای من و شما نیست. او کودکی‌ست که هرگز بزرگ نمی‌شود؛ یک خیال باف. عکس‌هایش سراب‌هایی هستند راوی داستان‌هایی که مستقیماً، از تصوّری که در کودکی پشت سر گذاشته‌ایم، به وجود آمده‌اند. تماشای عکس‌های تیم واکر شبیه دنبال کردن خرگوش سپید است در دنیایی که فیل‌هایش به رنگ آبی در آمده‌اند، اسب‌ها یاسی‌اند، نقّاشی‌ها زنده می‌شوند و دخترهای زیبا با چهره‌های دهه‌ی سی به شاهزاده‌های رها شده یا عروسک‌های خیمه‌شب بازی تبدیل شده‌اند. (تیم واکر، ۲۰۰۸).

او عکس‌هایی می‌گیرد که تعجّب ما را بر می‌انگیزند. –مهارتی کم‌یاب و ظریف؛ درست مثل پروانه‌هایش. عکس‌های او با ارائه‌ی تخیلّش، ظرفیّت رویاپردازی‌مان را به ما یاد آور می‌شوند. و با این‌که تصاویر او تخیّل ناب هستند، واقعی به نظر می‌رسند زیرا با دقّت زیاد اجرا شده‌اند. بنابر این، در دورانی که شگفتی چنین در مضیقه است، آثار واکر هم موضوع نمایشگاهش در موزه‌ی دیزاین لندن است (تیم واکر، ۲۰۰۸).

او نه جنّزده است، نه بازیگوش، ساده و یا رؤیایی؛ بلکه در کارش جدّی و شفّاف است. با این‌حال، اگر گفت‌وگو زیاد به سمت تحلیل هنری برود، می‌گوید: «این کمی سرگرمی‌ست؛ ورزش است.»

روی دیوارهای خانه و گوشه‌ی قاب عکس‌ها، کاغذهای دست‌نویسی اتصاق شده که واکر ایده‌هایش را روی آن‌ها یادداشت کرده است. تیم دفترچه‌های یادداشت را با وسواس جمع و نگه‌داری می‌کند. در واقع، دفترچه‌ها بخشی از کار او هستند. او ایده‌هایش را در آن‌ها طرّاحی می‌کند و برای صحنه‌های عکّاسیش استوری بورد می‌سازد. دفترچه‌های او «بانک‌های ایده» هستند که پرشان کرده از داستان‌هایی درباره‌ی اتومبیل‌های اسفنجی شناور بر فراز سیرک پیکادیلّی، عکس‌هایی از مجلّه‌ی کانتری لایف[1] (که مشترک آن است.) و عباراتی از قبیل «مه آبی بر فراز کمل هیل» – نام خانه‌یی که دوستش دارد. او عاشق فیلم است (**آفتاب ابدی یک ذهن بی‌آلایش**، اثر مایکل گاندری فیلم محبوب اوست) و خود را خواننده‌یی حریص توصیف می‌کند و در حالی‌که در یک قوطی کیک دهه پنجاهی بیسکویت تعارف می‌کند، می‌گوید: «فعلاً، عاشق **شب‌های سیرک** اثر آنجلا کارتر هستم.»

«احساساتم به چیزها و جوری که به جهان نگاه می‌کنم بسیار کودکانه است.» (تیم واکر، ۲۰۰۸).

[1] Country Life

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

تصویر سازی در برخی از آثار تیم واکر

تیم واکر در برخی از آثار خود به تصویرسازی پرداخته که منبع الهام آن‌ها، آثار نقاشان نامداری است. همچنین در برخی از آثار که منبع الهامشان عروسکهاست که به برخی از آنها پرداخته می شود.

۱- داستان های خواهران آپتون

درتصـویر (۱) و(۳) واکر از تصـویرسـازهای کتاب کودکان الهام گرفته، این داسـتان ماجراهای دو عروسـک هلندی و کتابی به نام گلیووگ که نویسنده و تصویرسازی از خواهران، فلورِنس و بِرتا آپتون است. در تصویر (۲) و (۴) نمونه‌هایی از تصویرسازی‌های این کتاب می باشد. کاراکتر "پسرتن قیچی" نیز از شخصیت های ترسناک داستان های آپتون ها ست.



(تصویر ۱): تیم واکر ، کارن السون، فیتزروویا، لندن، ۲۰۰۸، ووگ بریتانیا



(تصویر ۲): ماجراهای دو عروسک هلندی، نویسنده و تصویرساز خواهران بِرتا و فلورنس آپتون، ۱۸۹۵

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]



(تصویر ۳): تیم واکر ، کارنالسون، لندن، ۲۰۰۸، ووگ بریتانیا



(تصویر ۴): ماجراهای دو عروسک هلندی، نویسنده و تصویرساز خواهران برِتا و فلورنس آپتون،۱۸۹۵

۲-جادوگر شهر آز

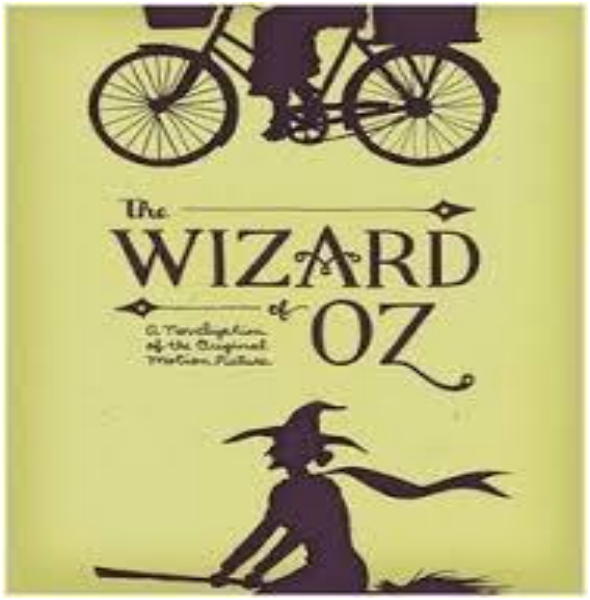
در (تصویر۵) واکر از تصویرسازی های کتاب معروف «جادوگر شهر آز» الهام گرفته است. البته به علت شهرت بسیار این داستان تصویرسازی های زیادی توسط هنرمندان مختلف انجام شده (تصویر ۶) و همچنین انیمیشن‌های متعدد و فیلم آن ساخته شده است و نیز در دوران های مختلف بر روی صحنه تئاتر رفته است. «جادوگر شهر از»عنوان کتابی است داستانی برای کودکان نوشته ال.فرانک باوم[1] است، این کتاب به زبان انگلیسی بوده و توسط ویلیام والاس دنسلو[2] تصویرسازی شده (تصویر ۸) و در ۱۷ مه ۱۹۰۰ میلادی برای نخستین بار انتشار یافت. همچنین همان طور که در کتاب قصه گو واکر نوشته شده در عکس جایی که مشکلات مثل آبنبات لیمویی آب می شوند (تصویر ۷) نیز هم عنوان و هم ساختش اشاره ی مستقیم به "جادوگر شهر آز" دارد.

[1] L.Frank Bavm
[2] William Wallace Denslow

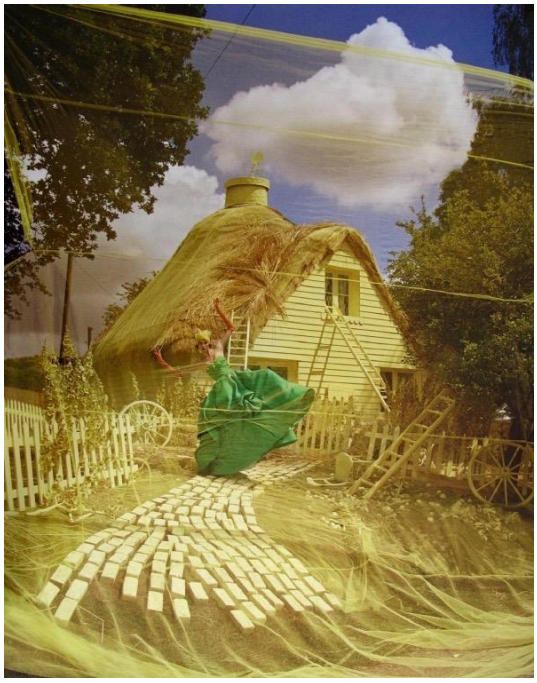
[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]



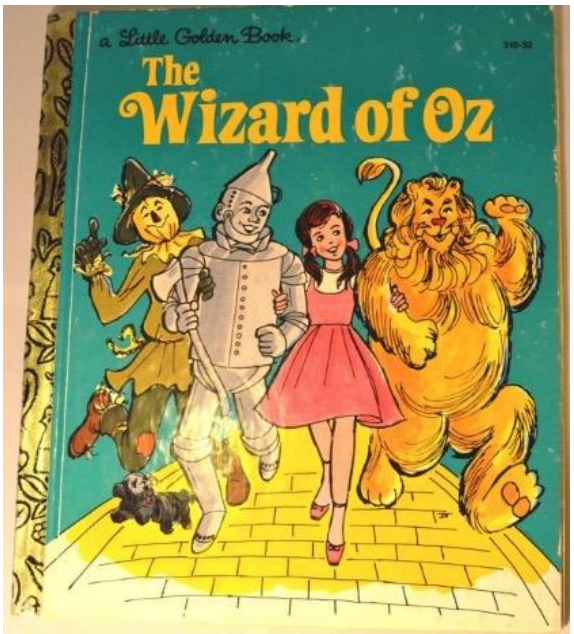
(تصویر ۵): تیم واکر، کارن السون، مجله ووگ، انگلستان،



(تصویر ۶): جادوگرشهر آز، ال فرانک باوم، تصویرساز: جسیکا هایز چز، ۲۰۰۹



(تصویر ۷): تیم واکر، جایی که مشکلات مثل آبنبات لیمویی آب می شوند،گرین کارلا کلوس و کلبه زرد، لندن،۲۰۱۰



(تصویر۸): جادوگرشهر آز، ال فرانک باوم، تصویرساز: ویلیام والاس دنسلو، ۲۰۰۹

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

۳-دریاچه قو

در بسیاری از آثار تیم واکر قو حظور دارد؛ ماکت های غول پیکر کاغذی، ماکت های حجمی، و همچنین قوی واقعی. قو همیشه در آثار هنری مظهر عشق و زیبایی بوده است. چنانکه در آثار تیم واکر نیز دیده می‌شود مانند تصویر(۹) و (۱۰) ولی در برخی از آثار واکر پا فراتر گذاشته و داستان دریاچه قو را به تصویر می کشد. در تصاویر (۱۱) ، (۱۲) شاهزاده غمگین را کنار قو سفید می بینیم و همچنین جمعی از بالرین‌ها در سالن که بخشی از آن به شکل جنگل ساخته شده و یا جمعی از دختران سفید پوش به همراه شاهزاده و قو در کنار دریاچه دیده می‌شود. دریاچه قو به روسی اُپوس، یکی از مشهورترین و پرنمایش ترین باله های جهان است. پیوتر ایلیچ چایکوفسکی[1] آهنگساز روسی، این باله را در سال ۱۸۷۶ نوشت و یک سال بعد، در سال ۱۸۷۷، برای اولین بار اجرا شد. چایکوفسکی از آهنگ سازان برجستهٔ باله است و باله های زیبای خفته ۱۸۸۹و فندق شکن ۱۸۹۲ از دیگر آثار اوست. بالهٔ دریاچهٔ قو نخستین بار در سال ۱۸۷۷ در تالار بولشوی (مسکو) به روی صحنه رفت.

اختلاف های زیادی دربارهٔ ریشه داستان دریاچه قو وجود دارد. از دیرباز، در هر دو فرهنگ غرب و شرق، قو از نشانه های زیبایی و زنانگی بوده است. بسیاری معتقدند این داستان در طول زمان و به تدریج تکامل یافته و سرانجام نمونهٔ درخشانی از آن توسط چایکوفسکی عرضه شده است.

در نسخه کلاسیک، نمایش با جشن تولد ۲۱ سالگی شاهزاده زیگفرید[2] شروع می شود. در این سن شاهزاده باید کسی را به همسری برگزیند. درحالی که شاهزاده مردد و بیم ناک به کنار دریاچه ای پناه می برد، متوجه قوی بسیار زیبایی می شود که توسط دسته ای دیگر از قوها احاطه شده. در گرگ میش غروب آفتاب ملکه قوها به زنی زیبا به نام اودت[3] تبدیل می شود. شاهزاده می فهمد جادوی شیطانی به نام وان روثبارت[4] اودت و دخترکان ندیمه او را به قوهایی تبدیل کرده که تنها در طول شب می توانند به صورت انسان درآیند و دریاچه نیز در حقیقت چیزی جز اشک چشم پدران و مادران دخترکان ندیمه نیست.

داستان اولیهٔ دریاچه قو بارها تغییر یافته، نسخه ایوانف گروه باله نیویورک بدل به نسخه استاندارد مدرن شده است، در این نسخه ابراز عشق شاهزاده به دختر جادوگر خیانت به اودت محسوب شده و باعث جاودان شدن طلسم اودت می شود، در نسخه های آمریکایی پس از جاودان شدن طلسم، اودت ناراحت و اندوهگین خود را به داخل آب پرتاب

[1] Pyotr Ilyich Tchaikovsky
[2] Siegfried
[3] Odette
[4] Von Rothbart

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

می کند و شاهزاده عاشق از پس او در آب می پرد. این فداکاری و عشق خالص باعث شکست جادوگر و باطل شدن طلسم می شود، ندمیه ها به انسان تبدیل می شوند و روح شاهزاده و اودت به سمت بهشت پرواز می کند. در اجرای گروه های چینی و روسی معمولاً عشق بین اودت و شاهزاده آنقدر قوی است که جادوگر را شکست می دهد و اودت تبدیل به انسان می شود.

اگرچه اجرای اولیه دریاچه قو توسط گروه باله روسیه و چایکوفسکی به علت ضعف اجرا انتقاد منتقدین را برانگیخت، امروزه این نمایش یکی از شناخته شده ترین نمایش ها در ستایش عشق و زیبایی محسوب می شود. برداشت های زیادی از دریاچه قو نیز به صورت فیلم، انیمیشن، نمایش های روی یخ، ادبیات، موسیقی و بازی های مختلف ارائه شده است.



(تصویر ۹): تیم واکر، مجله ووگ بریتیش، ۲۰۰۸



(تصویر ۱۰): بنجامین لاکومبه، پنفانت سایلنت، فرانسه، ۲۰۰۸

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]



(تصویر ۱۱): تیم واکر، دیوید وایت، کاسا ووگ، ۲۰۱۰



(تصویر ۱۲): دریاچه قو، تصویرگر لوسی کامپبل[1]

۴-رنه ماگریت[2]

رنه ماگریت، نقاش بلژیکی، یکی از برجسته ترین نمایندگان سوررئالیسم در نقاشی، و ابداع کنندهٔ جناس تصویری است.او در ۲۱ نوامبر ۱۸۹۸ در لسینز بلژیک، به دنیا آمدو در ۱۵ اوت ۱۹۶۷ به علت بیماری سرطان در شهر بروکسل درگذ شت. ماگریت انگارهای شاعرانه اش را در قالب ت صویرهایی عکس مانند عر ضه می دا شت. ولی ا سلوب واقع نمایی را به قصد بازنمایی جنبهٔ قابل رؤیت چیزها بکار نمی گرفت، بلکه بدین وسیله بر حضور یا عمل رمزآمیز و نا شناختهٔ آنها تأکید می کرد. از همین رو، در شیوهٔ سوررئالیست او را نام رئالیسم جادویی نهادند. در پرده هایی چون آدمکش مورد تهدید (۱۹۲۶)، تمامی م شخ صات نقا شی های بعدی ماگریت را میتوان باز شناخت: گزار شگری بغرنج، القای چیزهای غیرعادی به مدد چیزهای معمول، تحریف مقیاس ها، کیفیت شهوانی، شگفت آفرینی، رازگونگی و بیگانگی. اگرچه او به م ضمون های مختلف می پرداخت، شیوه اش را تغییر نداد. از همین شیوه در نقا شی دیواری نیز استفاده کرد. آثار ماگریت دوره های متفاوتی را نشان می دهند؛ در دوره ای، تصاویری از اشیای سنگ گونه و دوره ای

[1] Lucy Campbell
[2]-René Magritte

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

نقا شی هایی از ا شیایی که در کنار شان واژه های ناهمخوان نو شته ا ست. آثار ماگریت مدام در حال تغییر بوده اند و در دوره هایی بازگشت هایی به آثار قبلی خود داشته است.

تصاویر (۱۳)، (۱۵)، (۱۷) و (۱۹) همان طور که خود تیم واکر در مصاحبه های خود گفته ا ست از آثار رنه ماگریت برای او بسیار الهام بخش بوده در عکس های خود از آن ها بهره برده است.



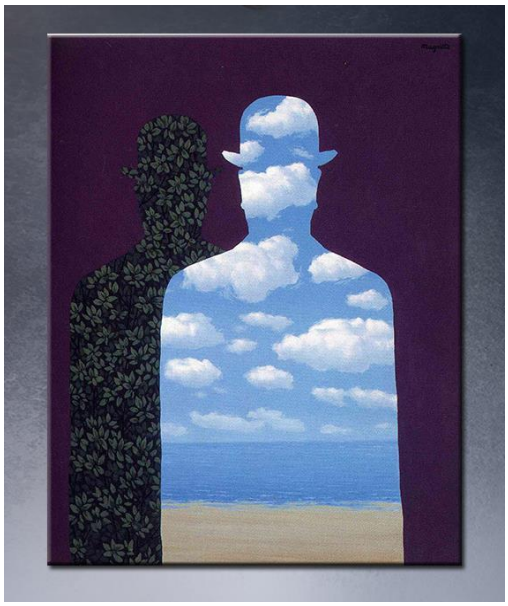
(تصویر ۱۳): تیم واکر، کوکو روچا و صندلی شیر، ووگ ایتالیا، ۲۰۰۶



(تصویر ۱۴): تابلویی از رِنه ماگریت، سور رئالیسم



(تصویر ۱۵): تیم واکر، مجله ووگ، ۲۰۰۸، انگلستان



(تصویر ۱۶): تابلوی نقاشی اثر رنه ماگریت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]



(تصویر ۱۷): تیم واکر، مجله ووگ، ایتالیا، ۲۰۰۶



(تصویر ۱۸): تابلوی نقاشی اَپل آف مای ایر، رنه ماگریت، ۱۹۶۴



(تصویر ۱۹): تیم واکر، الهام از اثر رنه ماگریت، ۲۰۱۴



(تصویر (۲۰): حجم، دِ ویژوآل المنت، رِنه ماگریت، ۱۹۳۷

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

۵- عروسک های مکانیکی آنتیک

عروسک های مکانیکی آنتیک از اواسط قرن ۱۷ام ، در سال های طلایی بین ۱۸۵۰ تا اوایل دهه ۱۹۰۰ روانه بازار شدند. عروسک های خودکار یا مکانیکی آنتیک عروسک هایی هستند که معمولا دارای حرکت هستند و مکانیزم ساعت کوکی دارند. این عروسک ها توسط آمریکایی ها، فرانسوی ها و آلمانی ها ساخته شده اند. برخی از انواع عروسک های مکانیکی عبارتند از: اتوماترون ها؛ عروسک هایی که ابزار موسیقی را می نوازند، عروسک های متحرک، عروسک‌های آتوپیرپاتتیکوس[1] عروسک‌های سیمبالر[2] عروسک های گیگوتئور[3]که راه می روند، گریه می کنند، لگد می زنند. ماروتس[4] موسیقایی؛ سر یک عروسک بر روی یک جعبه موسیقی، عروسک های شناگر اوندین[5]عروسک هایی با اسباب بازی های کششی، عروسک های فنوگراف[6] خزنده، راه رونده، صحبت کننده، بوسه زننده و عروسک های والتزینگ[7]از جمله عروسک هایی هستند که قابلیت حرکت داشته و ظاهری سحرآمیز و نوع آورانه دارند. نمونه اولیه آتوپیرپاتتیکوس یا عروسک راه رونده ساخته شده توسط اینوچ رایس موریسون قد ۹ -۱۰ اینچ بود. این عروسک دارای لباس، پاپیه ماشه، دارای سر چینی و بدون رنگ و با مکانیزم ساعت کوکی کار می کند.



(تصویر ۲۱): تیم واکر، کریسی پیرونن در نقش عروسک مکانیکی، سافولک، ۲۰۱۱



(تصویر ۲۲): تصویری از نمایش اولین عروسک مکانیکی به نام نویسنده

[1] Autoperipatetikos
[2] Cymbalier
[3] Gigoteur
[4] Marottes
[5] Ondin
[6] Phonograph
[7] Waltzing

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]



(تصویر ۲۳): تیم واکر، مدل در نقش اسباب بازی مکانیکی، ۲۰۱۱



(تصویر۲۴): نمونه ای از اسباب بازی های مکانیکی



(تصویر ۲۵): تیم واکر، لیندسی ویکسان و عروسک غول آسای آزار دیده، نورتامبرلند، ۲۰۱۱





(تصویر۲۶): نمونه ای از عروسک‌های کوکی دختر

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]



(تصویر ۲۷): تیم واکر، عروسک های مکانیکی، ووگ ایتالیا، ۲۰۱۱



(تصویر۲۸): نمونه‌ای از عروسک‌های کوکی ژاپن



(تصویر۲۹): تیم واکر، مدل و عروسک مکانیکی، مجله W، ایتالیا، ۲۰۱۴



(تصویر ۳۰): نمونه ای از عروسک های مکانیکی اولیه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

عروسکی دیگر نیز در بعضی از آثار تیم واکر (تصویر۳۲) دیده می شود که بی شباهت به عروسک های خیمه شب بازی نیست با یک بینی کشیده،یک کلاه، و تاکید بر روی دست و پاهای آن چون به ظاهر قرار است با نخ های متصل به مفاصل حرکت کند و جان بگیرد.



(تصویر ۳۱): تیم واکر، کیرسی پیرونن در نقش عروسک مکانیکی، سافولک، ۲۰۱۱



(تصویر ۳۲): تصویری از عروسک خیمه شب بازی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

نتیجه گیری

در عصر حاضر که از طریق امکانات موجود، حاصل از اینترنت و دیجیتالی شدن جهان بصری با کوه عظیمی از تصاویر رو به رو هستیم چگونه می توان توجه مخاطب را جلب کرد؟ با متفاوت بودن است که هنرمند می تواند به این مهم دست پیدا کند، که این یکی از ویژگی های ارزشمند تیم واکر است. عکس های تیم واکر با استفاده از فانتزی ها و چیدمان عظیمی به هدف روایت داستان، خاطرات عمیق دوران کودکی را زنده می کند. او با استفاده از داستان های کتاب کودکان و تصویرسازی های آن، تصاویری خلق می کند که ما را به جهانی خیالی می برد. از دیگر ویژگی های ارزشمند آثار تیم واکر اغراق های او در دنیای واقعی است که با استفاده از دست ساخته ها صحنه هایی سورئال را بدون استفاده از تصاویر دیجیتالی خلق می کند و فضاها و تصاویری آغشته به رنگ را بوجود می آورد. همانطور که در تصویرسازی های کتاب کودکان می بینیم و یکی از ویژگی های ارزشمند آثار تیم واکر روایتگری است که با استفاده از روایت داستان های کودکان مخاطب را بی اختیار به قلمروهای خارق العاده ی رویایی می برد.

بیشترین منبع الهام تیم واکر از کتاب ها و تصویرسازی های کودکان است و البته تأثیرپذیری هایی هم از مطالعه آثار بزرگان عکاسی خصوصاً سیسیل بیستون و ریچارد اودون و همچنین فیلم و انیمشن و آثار تیم برتون و نیز آثار نقاشان معروفی مانند سالوادور دالی و رنه ماگریت نیز می باشد.

تیم واکر به واسطه حفظ دنیای صادقانه دوران کودکی که همه انسان ها آن را طی می کنند و شادی ها و غم ها و ترس ها و بازی ها و رنگ های آن را تجربه کرده اند مخاطب را در روایت و قصهٔ خود شریک می سازد. درواقع عکس های تیم واکر هرکدام قصه ای را روایت می کنند. تیم واکر با استفاده از بازگشت مخاطب خود به دوران شیرین کودکی و فراز و فرودهای قصه های کودکانه و تصاویر فانتزی و پر از اغراق خود به روایتگری و خلق تصاویر افسانه ای و چشم نوازی می رسد، آن هم در دنیای عکاسی مد و فشن و از این طریق کالای خود را به مخاطب معرفی می کند.

در نهایت با بررسی آثار تیم واکر به این نتیجه می رسیم که وام گرفتن هنرهای مختلف از یکدیگر می تواند چقدر نتایج جالب توجه ای داشته باشد چنانکه در طول تاریخ هم این چنین بوده و هنرهای مختلفی مانند : عکاسی، نقاشی، تصویرسازی، انیمیشن، فیلم، تئاتر و ... الهامات بسیاری از یکدیگر و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم از هم گرفته اند. در نتیجه یک تصویرگر هم می تواند مانند تیم واکر قصه گو با وام گرفتن ابزار او داستان و قصه خود را به تصویر بکشد.

درواقع دوربین عکاسی همان ابزار و تکنیک در تصویرسازی می توان دانست. از آنجایی که هر تصویرگر در خلق آثار خود، در انتخاب ابزار و تکنیک و متریال خود آزادانه تصمیم می گیرد و هیچ محدودیت و یا چهارچوبی ندارد می تواند از دوربین به عنوان ابزار و مدیریت رنگ و کلوین و مسائل فنی عکاسی را همان متریال در تصویرسازی دانست و از آن

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

استفاده کاربردی در تصویرسازی کرد. می توان با دوربین عکاسی در دل داستان رفت و با دنیای تصویر و تخیل با کاراکترها، فضاها، قسمت های روشن و تاریک قصهٔ خود به عنوان یک تصویرسازی از نزدیک رو به رو شد.

منابع

برت، تری، نقد عکس درآمد بر درک تصویر، ۱۳۸۸، ترجمه اسماعیل عباسی و کاوه میرعباسی، چاپ دهم، تهران، نشر مرکز

پائولی، لاری، صحنه آرایی در عکاسی، ۱۳۹۴، ترجمه داریوش عسگری و مریم عسگری، چاپ اول، تهران، نشر شورآفرین

کو، برایان، عکاسان بزرگ جهان، ۱۳۹۴، چاپ هشتم، ترجمه پیروز سیار، تهران، انتشارات نی

مقیم نژاد، مهدی، عکاسی و نظریه، ۱۳۹۳، چاپ اول، تهران، انتشارات سوره مهر

هریسون، مارتین، در قاب دوربین فرانسیس بیکن، ۱۳۹۰، ترجمه کیهان ولی نژاد، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکب سپید

واکر، تیم واکر قصه گو، ۲۰۱۲، لاتین، لندن، انگلستان، انتشارات آبرامز

واکر، تیم، تصاویر، ۲۰۰۸، لاتین، لندن، انگلستان، انتشارات تِنئوس

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]

Investigating Works of Contemporary Photographer "Tim Walker" from the Perspective of Illustration

Pooneh Dehghanian

MA Graduated, Art and Architecture Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Poonehdehghanian2@gmail.com)

Abstract

The aim of this study was to examine the works of contemporary photographer Tim Walker, a fashion photographer from the perspective of illustration. The collection of information in this research is based on the method of Latin Persian libraries, books and articles, as well as online articles. First, a look at the history of photographers who have aimed to observe storytelling and storytelling in different artistic periods, and then the introduction of Tim Walker's works and finally the study of his works from the perspective of its illustration and analysis. The research findings show that one of the valuable features of Tim Walker's work is its diversity and creativity, storytelling, magnification and exaggeration in the real world without the use of digital images, fantasy and the colors of his photographs and the creation of imaginary and surreal works. . Most of his inspiration comes from children's book literature and illustrations, in which he invites the audience to his story and introduces his product through this childhood and fantasy world, and finally concludes that an illustrator can also borrow from The art of photography or the camera captures its own story.

Keywords: illustration, photography, Tim Walker, narrative.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-20]